

6465

۵۰۰

۱

۲۵۲

عشر

وارثان انبیاء

سید محمد باقر غیغمان

www.ketab.ir

شناسه کتاب

سرشناسه: ضیغمیان، سید محمدباقر، ۱۳۳۵ -
عنوان و نام پدیدآور: وارثان انبیاء/ سید محمدباقر ضیغمیان. مشخصات نشر: قم: سوم
شعبان، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ۲۳۲ ص.

شابک: ۵-۳۱-۸۳۷۴-۹۶۴-۹۷۸: ۱۵۰۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه.

موضوع: روحانیت موضوع: Clergy

موضوع: مجتهدان و علما -- ایران -- آداب و رسوم و زندگی اجتماعی

موضوع: 'Social life and customs' -- Iran -- Ulama

موضوع: اروپاییان -- دیدگاه درباره اسلام

موضوع: Europeans -- Views on Islam

موضوع: اسلام‌ستیزی

موضوع: Islamophobia

روم‌بند: کنکره: BP ۱۳۹۵۸/۲۲۳ ۲۹۴۰۲ ض‌لرده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۵

شماره کتابشناسی ملی: ۴۴۰۱۶۴۲

تلفن مرکز پخش:

۰۲۵ - ۳۷۷۴۰۹۶۲



نام کتاب: وارثان انبیاء

مؤلف: سید محمد باقر ضیغمیا

ناشر: سوم شعبان

نوبت: اول / پاییز ۱۳۹۵

شمارگان: ۵۰۰ جلد

قیمت: ۱۵۰،۰۰۰ ریال

شابک: ۵ - ۳۱-۸۳۷۴-۹۶۴-۹۷۸

فهرست مطالب

۱۱	مقدمه
۱۱	انگیزه تألیف
۱۴	تألیفات تکلیسی در مورد روحانیت
۱۵	روحانیت در رأس هجوم دشمن
۱۵	دو خاطر خدمت دارم
۱۵	تلاش اتم جنگ در احیای دین و عالم پروری
۱۸	راههای ضربه زدن به اسلام توسط غرب (استکبار-آمریکا)
۲۳	تضعیف علما هدف فتنه بران
۲۴	چگونه می توان دین را شکست داد؟
فصل اول	
۲۹	پیش گفتار
۳۱	ناپلئون و قرآن
۳۱	مورخ ایتالیایی
۳۲	خاورشناس فرانسوی
۳۲	ناپلئون بناپارت
۳۲	«هربرت جورج و نو» نویسنده انگلیسی
۳۳	«ولیز» از بزرگترین نویسندگان انگلیسی
۳۳	«رودویل» نویسنده انگلیسی
۳۳	«دارنست رنان» فرانسوی
۳۴	ناپلئون بناپارت
۳۴	دودویل نویسنده انگلیسی

۳۴	«سدیو» مستشرق فرانسوی
۳۶	حضرت علی علیه السلام
۳۶	مصاحبت نیکوکاران عالم
۳۶	قرآن
۳۷	تفسیر آیه
۳۹	شان نزول (بایان تفسیر نمونه)
۴۰	تفسیر (تفسیر نمونه)
۴۰	احترام به پیشکسوتان در مجالس
۴۳	نگته از مقام علما و دانشمندان
۴۵	آداب مجلس
۴۶	حضرت رسول صلی الله علیه و آله
۴۶	توفیق موافقت با کان عالم
۴۶	تفسیر مجمع البیان
۴۸	بیان آیه در تفسیر نمونه
۴۹	تفسیر دعوت به سوی حیات و برکت
۵۳	تفسیر نور
۵۳	نگته
۵۳	پیامها
۷۱	درخواست توفیق محبت دوستان خدا
۷۲	قرآن
۷۲	تفسیر نمونه
۷۴	مجمع البیان
۷۵	تفسیر نور
۷۵	نگته
۷۶	پیامها
۷۶	قرآن
۷۷	قرای مبارکه و قرای ظاهره
۷۹	حکم قرآن و روایات

فصل دوم

- پیشگفتار ۸۳
- حیات جامعه بشری ۸۴
- کدام جامعه زنده است؟ (عناصر محوری حیات جامعه) ۸۴
- اقسام و مصادیق سه گانه ۸۵
- شما جزء کدام دسته‌اید؟ ۸۵
- لزوم جاویدت با علما و دانشمندان ۸۶
- نگه به بهره علمای ربانی ۸۷
- امام خمینی ره ۸۸
- راه نجات در تحصیل علم ۸۸
- پس چرا این آیه را به سمت دیگر تکه نداریم؟ ۸۸
- حفظ علم به وسیله حسن کردن است ۸۹
- دانش‌های مفید برای انسان ۹۰
- علم نافع ۹۲
- بشری دین نمی‌ماند ولی بد دین می‌ماند ۹۴
- آشنایی با نقش علما و عالمان راستین ۹۵
- تبیین (انذار) به عنوان یک وظیفه اصلی ۹۵
- شرایط وراثت روحانیت از انبیاء ۹۶
- معنای کلمه «عالم» در قاموس اسلام ۹۸
- نقش علما و مراکز مذهبی در حفظ دینداری مردم ۱۰۰
- آرزوی احدات مدرسه دینی توسط امام صادق ع ۱۰۱
- تجلیل ائمه اطهار ع از شاگردان خویش ۱۰۱
- شئون متفاوت انبیا و علما در تعلیم عمومی و تربیت خصوصی ۱۰۲
- نقش «علما» در پاسداری از دین و مبارزه با خرافات و بدعتها ۱۰۴

فصل سوم

- خلوص نیت در عمل مراجع و علما دین ۱۰۹

- ۱۱۴ سلامت جسم و روح را از علمای دین بیاموزید.
- ۱۱۵ اقسام و انواع بهداشت
- ۱۱۶ بهداشت با آب
- ۱۱۸ آثار مادی و معنوی بهداشت
- ۱۱۹ چگونگی بهداشت محیط خانه

فصل چهارم

- ۱۲۳ پیشگفتار
- ۱۲۶ حقایق اموات روحی
- ۱۲۸ علما این پیام را هستند تا وقتی داخل دنیا نشده‌اند
- ۱۳۱ اجاب چندی خواهند قرآن و روحانیت سرکوب شود ؟
- ۱۳۲ چرا اسلام را با بد معرفی می‌کنند ؟
- ۱۳۲ علمای مبارز اسلام همیشه هدف تیرهای زهر آگین
- ۱۳۳ خطر تحجر گرایان و مغرضان میان احمق در حوزه‌های علمیه
- ۱۳۳ خطر نفوذ دادن افراد نارس و تبهکار در حوزه‌های علمیه
- ۱۳۴ من با هر معمم موافق نیستم
- ۱۳۴ اسلام از دو طایفه صدمه دیده است، علم متبک، جاهل متنسک امروز
- ۱۳۵ اینها با خوب‌هایش بد هستند
- ۱۳۶ روحانیت پیشکسوت شهادت و بر بالایی دار
- ۱۳۷ چند نفر معمم بی‌حیثیت از خدایی خبر
- ۱۳۷ نجات کشور از سقوط قطعی مرهون مرجع وقت
- ۱۳۸ چه ظلم‌ها بر عده‌ای روحانی پاکبخته رفت شما باید
- ۱۳۸ روحانیت اصیل در تنهایی و اسارت خون می‌گریست
- ۱۳۹ روحانیت اسلام ناب را جاری ساخته
- ۱۳۹ هر چه بروید سراغ تجملات از علوم‌تان کاسته می‌شود
- ۱۴۰ ساده زندگی کنید
- ۱۴۱ آن چیزی که روحانیت را پیش برده ساده زندگی کردن است
- ۱۴۲ لزوم حفظ ذی‌طلبگی

- ۱۴۲..... تمام ممالک اسلامی مرهون این طایفه هستند (علما)
- ۱۴۳..... ساده زیستی و زهدگرایی علما و روحانیت
- ۱۴۳..... این عمامه خودش جرم است
- ۱۴۴..... روحانیون پرچمداران ظلم ستیزی
- ۱۴۵..... این عراق را آخوند نجات داد از انگلستان
- ۱۴۶..... من کرا را گفتم
- ۱۴۶..... در حوزه‌های علمیه افرادی هستند که
- ۱۴۷..... از تمام مسائلی که باید تذکر بدهم
- ۱۴۹..... روحانیت همیشه در سنگر

فصل پنجم

- ۱۵۳..... امت‌هایی که عذاب بر آنها نازل شد
- ۱۵۳..... قوم شعیب
- ۱۵۵..... قوم لوط
- ۱۵۹..... مطالعه کتاب عالم چه اثر منفی؟
- ۱۶۳..... تأثیر عالم خوب
- ۱۶۳..... محضر عالم
- ۱۶۴..... مانع نزول عذاب الهی
- ۱۶۵..... چه عاملی شهید رجایی را به کمال دنیا و آخرت رساند؟
- ۱۶۷..... نتیجه عالم‌گریزی و ذوق‌گرایی
- ۱۶۹..... حاکمیت دیکتاتوری ملایم
- ۱۷۲..... رهنمود حضرت امام
- ۱۷۲..... با یک کلمه استقلال بر گردد
- ۱۷۳..... عاقبت سازمانی که از روحانیت و اسلام ناب جدا شد
- ۱۷۴..... تراب حق شناس
- ۱۷۶..... عاقبت نماز شب خوان‌هایی که مطیع روحانیت نبودند
- ۱۷۹..... کوتاه سخن
- ۱۸۰..... تنها امتی که بواسطه اطاعت از عالم دفع عذاب شدند

- ۱۸۰ قوم یونس
۱۸۲ نقش عالم مؤمن و تبعیت مردم

فصل ششم

- ۱۸۷ پیشگفتار

- ۱۸۷ کلامتکم نور

- ۱۸۹ ادبیات

- ۲۰۷ فصل پنجم

- ۲۱۳ فصل ششم

- ۲۲۹ فهرست منابع

مقدمه

انگیزه تالیف

این مطلب که توضیح می‌دهم این است که در سفری که توفیق زیارت خانه خدا کعبه مکرمه و مدینه منوره شامل این تقیر شد خود از نزدیک شاهد بودم که حج گزاران عزیز چه میزان نیاز مبرم دارند که از روحانی کاروان بهره‌مند شوند و اعمالشان حتی جزء به جزء باید با نظارت و رهنمود و فراگیری احکام از عالمان دینی هماهنگ باشند در حالیکه در صورت هرگونه سهل انگاری و سهل و بی توجهی به نصایح و سخنان و احکامی که روحانی کاروان بیان می‌کردند مرجع می‌شد اعمال کامل و صحیح انجام نشده و بعضا خدای نخواستہ اگر دقت لازم و رعایت این مطلب را متوجه نمی‌شدند شاید برای همیشه و تا آخر عمر محرم باشند و نتیجه محرم ماندن و عواقب و احکامی که بر آن جاری است و در رساله‌ها عملیه و اعمال حج آمده است جاری باشد؟!!

و از طرفی بعضا شاهد بودم که به طور عمد هرچند شاید نا آگاهانه حاضر به اجرای و عمل به دستورات روحانی کاروان نبودند و از اظهارات جدی و حتی

شاید خود رای بودند پناه به خدا می‌بریم از اینگونه با عدم توانایی و آگاهی علمی و دینی خود را بی‌نیاز می‌دانستند و لازم به ذکر است خود اینجانب و بعضی دیگر از دوستان با این گونه افراد مواجه بودیم و از همه مهمتر این گونه افراد غافل بودند از اینکه انسان برای همیشه عمرش، باید مقلد و مطیع امر عالم دینی و یا به اصطلاح مرجع تقلید باشد و درد و دریغ بیشتر اینکه دشمن سال‌های متمادی تلاش کرده مردم را از روحانیت و عالمان دینی جدا کند. لذا می‌توان به یادداشتی جاسوس انگلیس مستر همفر اشاره کرد که بیش از سیصد سال پیش مطرح کرده و در این راستا برنامه ریزی نموده‌اند، در این کتاب به نقل از این جاسوس آمده است که بعد از گذراندن مدتی مأموریت در کشورهای اسلامی و از جمله ایران به وزارت امور خارجه کشور بریتانیا مراجعه کرده مسئول دفتر وزارت اینجانب را در جریان دو ستر قرار دادند که برای اطلاع شما خواننده عزیز به طور مختصر نقل می‌کنم و اما تأکید و توصیه می‌کنم جهت اطلاع بیشتر این کتاب را به طور کامل مطالعه بفرمایید و آنچه مورد نظر در این یادداشت‌ها لازم است در این مقدمه ذکر می‌شود. ستر دوم داد به ایشان گفته شده است این بود که یک کتاب به ایشان تحویل داده و به او دستور می‌دهد که این کتاب را جهت آشنایی بیشتر و انجام مأموریت خود بخواند و در جریان اطلاعات و آگاهی سازمان جاسوسی انگلیس نسبت به مسلمانان و کشورهای اسلامی قرار گیرد. ایشان این گونه کتاب را معرفی می‌کنند: در این کتاب علاوه بر مطالب دیگر دو مطلب به طور مفصل ذکر شده یکی عوامل قوت و نیرو بخش مسلمانان بیان کرده دوم اینکه چه اقداماتی باید انجام داد که آن عوامل قوت تضعیف و از درجه اهمیت و ارزش آنها نزد مسلمانان کاسته شود لذا فقط به دو بند سه و چهار که

مورد نظر و هدف تألیف این کتاب می‌باشد اشاره می‌شود. در ادامه یادداشت این جاسوس آمده است: اما سردوم را بعد از یک ماه در اختیاراتان خواهم گذارد که این کتاب را با دقت و تعمق مطالعه کنی (همان کتاب هزار صفحه ای) من کتاب را با دقت مطالعه کردم نکته‌های تازه‌ای راجع به اوضاع محمدی‌ها از مطالعه این کتاب برایم کشف شد و ضمناً علت انحطاط و سقوط آنها را به دست آوردم و نقاط ضعف مسلمانان را کاملاً متوجه شدم همچنان که نقاط قوت و عوامل نیرو بخشی آنها برام روشن شد، و نیز دانستم چگونه باید نقاط قوت و عوامل نیرو بخشی آنها را متهدم کرد و به نقاط ضعف تبدیل کرد.

و اما از بندهایی که جز نقاط قوت است باید به ضعف تبدیل کرد به این شرح است و آن اینکه در دهه‌های سه و چهار آمده است: لازم است ارتباط و علاقه مسلمانان را با علما و دانشمندان مذهبی‌شان تضعیف شود و برای این کار باید تهمت زیادی به علما زد و بعضی از افراد را استخدام نمود که در لباس علما اسلامی در آیند و اعمال خلاف بسیار زننده انجام دهند تا مردم به این طبقه بدبین شوند و باید یک عده از این مأمورین را در آلمان، مصر و در جامعه علمیه آستانه و در حوزه نجف داخل کرد، وسیله دیگر برای جدا کردن مردم از علمای دین افتتاح و تأسیس مدارس بچه گانه به وسیله کارمندان وزارت مستعمرات است در این مدارس از همان ابتدای طفولیت وزارت مستعمرات باید بچه‌های مسلمانان را ضد علما و روحانیون اسلامی تربیت کرد و بدی‌های آنان را به بچه‌ها گوشزد نمود و باید به آنها تلقین کرد که این علما سرگرم لذت و عیش و نوش و پول ملت را صرف خوشگذرانی خود می‌کنند!

۱. کتاب یادداشت‌های مستر همفرانگلیسی، ص ۱۳۸ و ۱۵۷.

و اما اثرات این برنامه‌های سازمان جاسوسی انگلیس توسط مأموران جاسوس و دست نشانده‌گان داخلی را از زبان و بیان حضرت امام خمینی علیه السلام که خود شاهد صحنه‌ها و برخوردهای غم‌انگیز توسط بعضی از همین مردمی که این تبلیغات سوء دشمن در آنها اثر گذاشته بوده‌اند بطوریکه آن امام سفر کرده مشاهدات خود را در فرصت‌ها و مناسبت‌های مختلف بیان کردند.

تبلیغات انگلیسی در مورد روحانیت

روی آن مسائل علمی‌ای که داشتند آنها (خارجی‌ها) و دید سیاسی که داشتند نمی‌گذاشتند نشان بدهیم نزدیک بشوند ماها را از دانشگاهی‌ها همچو دور کردند که ماها آنها را تکفیر می‌کردیم آنها ما را تحمیق می‌کردند آنها می‌گفتند این دسته عرض می‌کنم که غم‌انگیز در باره هستند آخوند یعنی درباری آخوند یعنی انگلیسی. من خودم با آقای ساری و آن آقای حائری (اشاره به یکی از حضار) در زمان رضا شاه ظاهراً توی اتومبیل بسته بودیم اتومبیل‌های بزرگ چند نفر هم از آن طرف شهر، می‌آمدیم تهران آن چند نفر یک‌بارشان شروع کرد صحبت کردن گفت که من تا حالا سالهای طولانی بود که این بیکل‌ها را نمی‌دیدم اینها را انگلیسی‌ها آورده‌اند در ایران و (ظاهراً گفت) یا در نهضت انگلیسی‌ها آوردند برای اینکه نگذارند کار ماها درست بشود.

اینها غم‌انگیز هستند. مادامی که ما سوار بودیم اینها این حرف‌ها را شروع کردند زدن و گفتن به اینکه اینها چطورند این‌ها وضعشان این بود تبلیغاتی کردند به اینکه هر معمم و آخوند درباری است^۱ و در ادامه مجدداً توجه شما

۱. صحیفه نور، ج ۶، ص ۳۱.

خواننده عزیز و گرامی به دو خاطره دیگر از حضرت امام خمینی رحمه الله درباره اثر تبلیغات جاسوسان انگلیسی علیه روحانیت و علما دینی جلب می‌کنم.

روحانیت در راس هجوم دشمن

دو خاطره مهم دارم

یکی را دوست من خدا رحمت کند مرحوم حاج شیخ عباس تهرانى نقل کرد که من در ایف بودم و از آنجا خواستم بیایم به قم، رفتم اتومبیل بگیرم شوfer گفت که ما به در طایفه با گذاشتیم که سوار اتومبیل نکنیم یکی فواحش، یکی معممین این در زمان آن خبیث اول بود^۱ که با روحانیون این طور کرد تبلیغاتش این طور و عمالش این طور که شد. یکی هم خود من در اتومبیل در یک اتومبیلی که جمعیت در آن بود نشسته بودم بنزین تمام شد بین راه من سید بودم یک شیخی هم همراهم بود شوfer (راننده) گفت که این از اثر اینکه این شیخ را سوار کرده بودیم بنزین تمام شده تمام شدن بنزین را اثر نحوست یک روحانی می‌دانست این طور بود آقا.^۲

تلاش ائمه رحمه الله در احیای دین و عالم پروری

اما در ادامه مطلب شایسته است که بدانید هدف و تلاش ائمه رحمه الله در احیای دین و عالم پروری بوده در ملاقات‌هایی که با اصحاب عالم خود داشته با احترام برخورد نموده‌اند و سعی نموده به اصطلاح این چراغ همواره روشن باشد و لذا

۱. رضا شاه ملعون.

۲. صحیفه نور، ج ۶، ص ۶۸.

توجه شما را به مطالعه بخشی از بیانات حضرت آیت الله جوادی آملی در این راستا جلب می‌کنم.

حضرت آیت الله جوادی آملی حفظه الله این گونه این تکریم و احترام ائمه را به علما دین بیان کرده تا برای عموم مردم درسی باشد که همواره به روحانیت و عالمان دینی احترام گذاشته و کسب فیض نماییم.

و اما ما طلب را به این شرح بیان می‌کنند: وجود مبارک امام باقر علیه السلام که شهید شدند رجعت مبارک امام صادق علیه السلام تا زنده بود آن اتاق مخصوص پدر را روشن نگه می‌داشت وقتی امام صادق شهید شد وجود مبارک امام کاظم علیه السلام تا در حجاز بود در مدینه بود در اتاق مخصوص پدر شبها چراغ روشن می‌کرد وقتی از مدینه به بغداد تبعید شد به ندان افتاد دیگر خبر نداشتند که کی روشن می‌کرد. روشن نگه داشتن اتاق امام یعنی فکر ام این یک سنتی است درست است که به حسب ظاهر یک یادآوری است یک سنت است اما اساس کار این است که شما این مصباح هدایت را روشن نگه بدارید این بین راه این علم را، این فن را نگه دارید! خیلی هنراست انسان چهار هزار شاگرد تربیت کند.

این جز معجزه چیز دیگری نیست آن جور بتواند سرگردانی نظیر هشام بن سالم، هشام بن حکم، زراره، خمران بن أعین، زراره بن أعین، جامعه تحویل بدهد. نجاشی نقل می‌کند ابان بن تغلب شاگرد مخصوص امام صادق علیه السلام بود وقتی ابان بن تغلب می‌آمد خدمت وجود مبارک امام صادق علیه السلام «أَمَرَلَهُ بِوَسَادَةِ الْيَقْتِ لَهُ» فرمود بالش را برای آقا بیاورید یک امام زمان دستور بدهد بالش را

برای شاگردش بیاورند آیا این فخر نیست؟ آدم وارد محضر امام زمانش بشود امام زمان بگوید بالشست را برای آقا بیاورید؟ علمای دین یعنی این مراجع دین، قدر اینها را هر چه ما بیشتر بدانیم از عمرمان بیشتر برکت می گیریم دین و نظام و جامعه و ملت به این عالمان دین و مراجع بسته است^۱.

خواننده گرامی بعد از مطالعه یادداشت های جاسوس انگلیسی مستر هومفر مبنی بر تضعیف علما دین و روحانیت و همچنین متأسفانه تأثیر تلاش سازمان جاسوسی انگلیس علیه روحانیت که با ذکر خاطرات رهبر انقلاب حضرت امام خمینی رحمه الله متوجه تأثیر برنامه های دشمنان اسلام شدید که آن عالم بزرگوار چگونه با سوز و حال خود سالها بر خورد نامناسب برخی فریب خوردگان با روحانیت بوده نتیجه تلاش چند قرن گذشته بوده است، لازم است جدیدترین فعالیت دشمنان روحانیت و اسلام این بار به رهبری آمریکا و رژیم صهیونیستی مرور نموده، برنامه هایی که برای ضربه زدن به اسلام و استحاله مسلمانان اجرا می نماید و شبانه روز در حال برنامه ریزی و اقدام می باشند به اینکه ملت مسلمان را از روحانیت جدا نموده و طبق برنامه، اسلام منهای روحانیت و جداسازی اسلام از حاملان اصلی و جدا نمودن مسلمانان از اصول و ارزش های اسلامی را به منصه ظهور برسانند. توجه شما را هر چند مختصر و کوتاه به بخش هایی از این فعالیت ها که طی مقاله ای در روزنامه کیهان سال نود و یک شماره ۲۰۳۰۶ توسط استاد سعیدالله زارعی آمده است جلب می کنم.

۱. قسمتی از بیانات حضرت آیت الله جوادی آملی، روزنامه کیهان سه شنبه مورخ ۲۱ شهریور

راه‌های ضربه زدن به اسلام توسط غرب (استکبار - آمریکا)

...دو پروژه سنگین را برای به تسلیم واداشتن جهان اسلام دنبال کرده بود. پروژه اول عمدتاً ماهیت فرهنگی داشت و از اولین سال‌های پس از پایان جنگ جهانی دوم آغاز سیطره جهانی آمریکا شروع شد، آمریکا از سال ۱۹۴۵-۳۶ «انجمن عملی مطالعات منطقه‌ای» در آمریکا و کشورهای آسیای غربی تأسیس کرده است که زیر نظر «انجمن مطالعات خاورمیانه» وابسته به وزارت خارجه این کشور در آمریکا و خاورمیانه مطالعات اسلام شناسی انجام می‌دهند حداقل پنجاه دانشگاه معتبر آمریکا نیز زیر نظر سازمان‌های امنیتی و سیاسی آمریکا بخش‌هایی تحت عنوان مطالعات اسلام شناسی دارند.

سه دانشگاه بزرگ و مرکز تحقیقاتی نیز در خارج از مرزهای آمریکا و زیر نظر دستگاه‌های سیاسی و اطلاعاتی این کشور شامل دانشگاه آمریکایی بیروت، دانشگاه آمریکایی قاهره و انستیتو مطالعاتی پژوهشی اسلامبول به مطالعه پیرامون اسلام و پیدا کردن راه‌های ضربه زدن به اسلام و مسلمین مشغول هستند و البته به این فهرست پانزده مرکز مهم غیر دانشگاهی ده نام شامل «شورای سیاستگذاری خاورمیانه» انستیتو اقدام آمریکایی واشنگتن، «موزه برای قرن جدید آمریکایی واشنگتن» (مرکز مطالعات خاورمیانه فیلادلفیای پنسیلوانیا) «آکادمی آمریکا برای دین آتلانتا» «مرکز مطالعات اسلامی راکفلر» «انستیتو شرقی شکسپتو» «حوزه دینی هارتفورد کانک تیکت» «انستیتو مطالعات بحرب بل مونت» و «انستیتو امور خاورمیانه و شمال آفریقا هایتزویل» هم اضافه می‌شوند همه این مراکز دانشگاهی و غیر دانشگاهی دولتی با یک برنامه و استراتژی کاملاً معین طویل‌المدت دست‌اندرکارند تا راه‌های تضعیف مسلمانان و دین اسلام را با مطالعه

عمیق روی متون و جوامع اسلامی شناسایی و به دستگاه‌های مربوطه به آمریکا پیشنهاد نمایند.

اکثر این مراکز گزارش رسمی شش ماهه تا یک ساله دارند که به طور رسمی در کنگره آمریکا «استماع» می‌شود و به عنوان گزارش «مرکزاسلام شناسی آمریکا» مورد توجه ویژه قرار می‌گیرند. «برناردلویس» مطرح‌ترین چهره اسلام شناس آمریکا که از یک یهودی افراطی و از سوی دیگر یک بنیادگرای مسیحی (Evangelist) است در صفحه ۸۵ کتاب خود اسلام و غرب که در سال ۱۳۷۳ توسط دانشگاه آکسفورد به چاپ رسید «مراکز مطالعاتی آمریکا با استفاده از دانشمندان مسیحی که اکثریت آنها را میونرها تشکیل می‌دهند یک مجموعه کتب درباره اعتقادات مسلمانان و پیامبر آنان تألیف کرده‌اند که فقط هدف مناظره دارند و لحن آنها ناسازگار می‌است».

نورمن دانیل در صفحه ۲۶۷ کتاب خود اسلام و غرب از تصویر تا واقعیت با اشاره به کتاب‌های ضد اسلامی (سر ویلیام موب) که به عنوان کتب مرجع اسلام شناسی در آمریکا استفاده می‌شوند نوشت «استفاده از اینها خواهد دروغین از جانب غرب برای حمله به اسلام یک روش همیشگی بوده است».

اشخاص و گروه‌های تحقیقاتی که در آمریکا به «اسلام شناسی» مرسوم شده‌اند بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران با اشاره به شکست آمریکا از انقلاب ایران خواستار بازنگری در متون و راه‌های توصیه شده گردیدند بر این اساس همیلتون ا. ر. گیپ و گوستافون گروینام روی جداسازی اسلام از حاملان اصلی آن روحانیت و حوزه‌ها و سپردن سر رشته امور به دست روشنفکران تأکید کردند.

فون در صفحه ۴۴ کتاب خود نوشته است «بایه وجود آوردن اسلام منهای

روحانیت مسلمانان اصول و ارزش های فرهنگی حاکم بر جهان را خواهند پذیرفت» پرفسور آرماندو سالواتور نیز در کتاب خود اسلام و مباحث سیاسی درباره مدرنیسم که در سال ۱۳۸۶ چاپ شد می نویسد «روشنفکران کشورهای اسلامی که حس آگاهی درون گرا دارند نیز مانند غرب خواستار تجدید نظر در مبانی و اصول اسلامی بوده و تلاش کرده اند مبانی و اصول اسلامی را مطابق خواست های غربیان تغییر دهند این الگوی روشنفکران از علی عبدالرزاق تا محمد ارغون بوده است».

توجه شما به فزونی از بیانات محمدرضا حکیمی جلب می کنم که معتقدند تنها روحانیت است که قابل اعتماد است که این گونه می گوید: من به خوبی می دانم تنها جناح قابل اطمینان و تنها سد سکندری که در برابر همه هجوم ها و تهاجم ها تاب مقاومت دارد و این تاب و توان را از باب احساس تکلیف شرعی بروز می دهد و به کار می گیرد روحانیت است. روحانیت است که اهل مصالحه نیست روحانیت است که اهل النقاط و امتزاج که نتیجه طبیعی آن مسخ و نابود کردن است نیست، روحانیت است که سموره در سنگر است تا دم مرگ، روحانیت است که در برابر ظلم و ظالم تاب نمی آید و بر ظالم می شورد آن هم برای احقاق حق مردم و احیای دین این همه روحانیت است، لیکن روحانیت تصفیه شده روحانیت سره از ناسره پاک ساخته روحانیت ارتجاع نبوده روحانیت آگاه، مترقی، متعهد و درگیر...^۱

۱. کتاب هویت صنفی روحانی، تألیف محمد رضا حکیمی، ص ۱۱.

در ادامه و قسمت‌های پایانی این مقدمه متذکر می‌گردد هدف این است که در مقابل حرکات دشمنان اسلام در راستای تضعیف روحانیت و جدا نمودن روحانیت از مردم و کشاندن جامعه به طرف فرهنگ لیبرالیستی و باطل غرب این نوشتار را تقدیم کنیم. و لذا سعی و کوشش براین است که اهمیت و ضرورت ارتباط هرچه بیشتر یا روحانیت تشویق و ترغیب نماییم و با عناوین و فصل‌های مختلف مطالعه خواهید کرد و بر اهمیت و ضرورت شناخت بیشتر مقام علمی و معنوی علما دینی و ضرورت تبعیت از آنان را بیان خواهیم کرد و نتیجه جدایی و عدم همراهی و اطاعت از علما خدای نخواستہ موجب ذلت و خواری خواهد شد در این کتاب خواهد آمد.

برای توجه بیشتر باین کوتاه حضرت امام خمینی رحمۃ اللہ علیہ مبنی بر اینکه دشمن فهمیده است که اگر روحانیت حاکم باشد چه خواهد شد و چگونه در برابر آنها خواهد ایستاد به این شرح ذکر می‌شود ایشان فرمودند: اینها دیدند که با نفوذ روحانیت نمی‌توانند هر کاری انجام دهند می‌خواهند نفوذ روحانی را از بین ببرند، اگر نفوذ روحانیون باشد نمی‌گذارد این با یک روز اسیر انگلیس و روز دیگر اسیر آمریکا باشد اگر نفوذ روحانیون باشد نمی‌گذارد اسرائیل اقتصاد ایران را قبضه کند نمی‌گذارد کالاهای اسرائیل آن هم بدون کمک از ایران فروخته شود^۱ و در پایان مقدمه خواننده گرامی تأثیر تضعیف و جدا کردن روحانیت از مردم به وسیله برنامه‌های سازمان جاسوسی انگلیس و در ادامه سازمانهای جاسوسی آمریکا و اسرائیل مطالعه نمودید.

۱. بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی ص ۷۱۸-۷۱۹، سخنرانی حضرت امام خمینی رحمۃ اللہ علیہ به مناسبت تصویب قانون ننگین کاپیتولاسیون.

به جاست این نقش را این بار و برای اطلاع بیشتر از زبان و بیان یکی از عالمان برجسته کشور بخوانیم که شخصاً اظهار می‌دارد که در این مدت هفتاد ساله عمر خود شاهد بوده از گذشته‌های دور تا روزها و سال‌های قبل از انقلاب و حتی تا روزهای پیروزی انقلاب خود دیده و خوانده است که چگونه دشمنان بنای تضعیف علما را دارند و آن بخش از مطالب حضرت آیت الله مصباح یزدی به شرح زیر جهت آگاهی بیشتر نسبت به موقعیت و جایگاه تأثیر علما و میزان دشمنی مخالفان را بیان کرده‌اند با هم مطالعه می‌کنیم که در روزنامه کیهان مورخه دوشنبه ۱۰ مرداد ۱۳۹۰ ص ۷ به این شرح آمده است:

مکرم دین استعمار به استعمار (رومانیت است
تا ابد در گوش ما پیغام (رومانیت است
نقش آمریکا و عراق در شد نقش برآب
با فدا شدن که از اقدام (رومانیت است
پای استبداد، استعمار و استثمار و ظلم
هر طرف روی روی در دام و (رومانیت است
گوبه امزاج منافق هر چه می‌فروشد
متن نابودی تان تمام (رومانیت است
از همه هستی تا ابد نثارش دشنام باد
هر که اندر منطق دشنام (رومانیت است
علم طب را که توان توصیف کردن بی‌طبیبت
این کلام رهبر اسلام (رومانیت است
بر فراز بام دانشگاه آزادی و عدل نهر
با خون شهیدان نام (رومانیت است.

تضعیف علما هدف فتنه گران

در جلسه قبل روی این نکته تکیه کردم که این برنامه یکی از راهکارهای دشمنان انبیا و اولیا الهی بوده و هست اول سعی می‌کنند که علما را از چشم مردم بیاندازند برای این کار یکی از ساده‌ترین روش‌ها این است که یک نقطه ضعفی از اینها پیدا کنند و آن را بزرگ نمایی کنند از آن وقتی که بنا گذاشتند که با اسلام در این کشور مبارزه کنند سعی کردند عالمان دینی را به عنوان مردمی خرافاتی، عقب ماند، ذهنی و فاقد درک اجتماعی به مردم معرفی کنند حدود ۷۰ سال قبل من پنج یا شش سال در شهر قم یک روزنامه‌ای منتشر می‌شود که هر روز نکته‌ای از مسائل دینی مخصوصاً در ارتباط با آخوند و روحانی مطرح می‌کرد.

مثلاً عکس یک خزینه حمام را می‌کشید که یک آخوندی باریش بلند و سر تراشیده مشتی از آب خزینه برداشته می‌خورد و این را القاء می‌کرد که آخوندها اصرار دارند که خزینه‌های حمام باید بماند و ملی وزارت بهداشت موافق نیست و می‌گوید باید دوش باشد تا مردم از این کثافت‌ها سالم بمانند! به این صورت آخوندها را آدم‌های سبک مغز معرفی می‌کردند.

اوایل انقلاب هم یک روشنفکری بود که در یکی از مراکز فرهنگی خیلی معروف سخنرانی می‌کرد او وقتی می‌خواست جوک بگوید سعی می‌کرد برای تضعیف روحانیت روی آخوندها پیاده کند و طلبه‌ها را انسان‌های سبک مغزی معرفی کند این یک سبک و روشی بود که از دوران مشروطیت شروع شد و هدف آن جدا کردن مردم از روحانی بود. البته ما تعصبی نسبت به آخوند بودن نداریم خودمان هم می‌دانیم که عیب‌های زیادی در ما وجود دارد همه جا عیب وجود دارد ما هم داریم، متأسفانه برخی عیب‌ها هم در ما وجود دارد که توقع آن

از ما نمی‌رود ولی منظور بنده اشاره به آن جهت مثبت حوزه علمیه بود که دشمن در صدد تخریب آن است و آن این که، دین شناسان در حوزه علمیه تربیت می‌شوند و اگر به دنبال دین شناس باشیم، باید در میان همین آخوندها دنبال آن بگردیم. دانشگاه هاروارد که به کسی اسلام یاد نمی‌دهد اگر کسی عالم به قرآن باشد از همین مدرسه فیضیه و امثال آن فارغ التحصیل شده است حضرت امام رحمه الله، شهیدان مطهری، بهشتی و امثال ایشان اسلام شناس بودند مرکز و پایگاه دینی حوزه علمیه است بلکه اگر بخواهند در یک رشته خاصی مهندس و متخصص تربیت کنند و این را در یک کشوری بیشتر باشد باید نیرو به آنجا بفرستند تا درس بخوانند و این رشته متخصص شود اما اگر کسی بخواهد در رشته علوم دینی متخصص شود باید در حوزه علمیه قم درس بخواند آن کسانی که می‌خواستند مردم را از علم دین جدا کنند نقطه ضعف‌های آخوندها را پیدا کردند (که گاهی هم وجود داشت) و آنها را زیر ذره‌بین می‌گذاشتند و در نشریات به صورت کاریکاتور، اشعار هجو و... منتشر می‌کردند و هدفشان جدا کردن مردم از روحانیت بود. این یک کار حساب شده بود و برای رسیدن به آن هدف باید این کار را می‌کردند کسی که بخواهد مردم متدینی را با تسلیم و آوارگی و شکست دهد باید دینشان را شکست دهد.

چگونه می‌توان دین را شکست داد؟

برای این کار ابتدا باید با ترور شخصیت، عالمان دینی را شکست داد اگر این روش کارساز بود بیش از این احتیاجی نیست و آنها به هدفشان می‌رسند، وقتی مردم از علما جدا شدند دیگر هر نوع انحرافی ممکن است برای آنها پیش آید

اگر این روش کارساز نبود اقدام بعدی ترور فیزیکی است چرا در آغاز انقلاب باید علامه مطهری به شهادت برسد؟

آیا در آن وقت هیچ شخصیت سیاسی یا نظامی در ایران فعال‌تر از آقای مطهری نبود؟ بله شخصیت‌های سیاسی و فرماندهان نظامی زیادی بودند ولی به سراغ آقای مطهری رفتند چون می‌دانستند امثال آقای مطهری باعث پیشرفت فکری انقلاب می‌شوند و اسلامیت این نظام را تأمین می‌کنند. باقی ماندن فکر و باور اسلامی و پاسخگویی به شبهات کار هر کسی نیست این میدان پهلوانی مثل او می‌خواهد چون بر آن زمان واقعاً کسی مثل آقای مطهری نبود که بتواند از عهده این کاربرآیی‌ها برآید. از ایشان هم چند نفر مثل ایشان مرد این میدان بودند شهادت ایشان یک برنامه کاملاً حساب شده بود. به موازات چنین اعمالی برنامه‌هایی برای تضعیف و سهم زدن دیگران را اجرا می‌کنند مثل متهم کردن به بی‌سوادی، کم عقلی، مفاسد اخلاقی اقتصادی و امثال این امور که مردم نمی‌پسندند تا بین مردم و روحانیت فاصله بیفتد امام که فرمود «اسلام منهای روحانیت یعنی اسلام منهای اسلام» دقیقاً می‌فهمید چه می‌گوید این فرمایش ایشان قبل از پیروزی انقلاب مطرح شد، کسانی این شعار را مطرح کرده بودند می‌گفتند «دکتر مصدق اقتصاد منهای نفت را پیشنهاد کرد در اسلام منهای روحانیت را پیشنهاد می‌کنیم». امام در مقابل ایشان این جمله را فرمود این سخن امام از روی تعصب صنفی نبود امام پاک‌تر، میراتر و فراتر از این حرف‌ها بود او می‌دید که نتیجه ضربه زدن به روحانیت این است که مردم نتوانند از علوم اهل بیت استفاده و معارف اسلام به درستی استفاده کنند در این صورت می‌توان به هر مسئله‌ای رنگ و لعاب اسلام زد و با آن به نام اسلام دیگران را فریب داد این یک بخش کار بود.

آری خواننده گرامی حال که هر چند مختصر در این مقدمه متوجه شدید تمام تلاش دشمن این است که ملت مسلمان را از علما راستین و ناب و خالص دینی جدا کنند تا مسلمانان را به ذلت و خواری و بردگی تحت امر خود بکشانند و از طرفی تمام سعی و کوشش علماء، این وارثان انبیا جهت هدایت و رساندن ملت مسلمان به سعادت و کمالات معنوی، الهی و انسانی می‌باشند. لذا به این فراز از دعای ابر حمزه ثمالی به نقل از امام زین العابدین علیه السلام توجه بیشتر نموده که در دعا و حاجات خود با خداوند متعال می‌گوید:

«أَوْ لَعَلَّكَ وَتَدْعِي مِنْ مَجَالِسِ الْعُلَمَاءِ فَخَذَّلَنِي؛ خدایا شاید به این که در مجالس علما مرا ندانی یا خوار و ذلیل کرده‌ای».

لذا در این کتاب از اصحاب و بخش‌های مختلف تلاش شده که به اهمیت و حقانیت این فراز از دعای ابر حمزه ثمالی پرداخته شود و از خداوند متعال بخواهیم که همه مسلمانان را مستدق این جمله از دعا قرار ندهد.

آمین یا رب العالمین

سید محمد اتر ضیغمیان